

خوانشی از آموزه‌های شادی و آرامش شهدای کربلا در گفت‌وگو «جوان» با حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، استاد حوزه و دانشگاه

آرامش و نشاط در سختی‌ها درس بزرگ عاشورا برای زندگی ما است



محبوب قربانی

قرن‌ها از عاشورا گذشته است، اما پیام‌های آن همچنان زنده، جاری و الهام‌بخش زندگی انسان امروز است. اگر هر سال با اشک و اندوه، یاد بزرگ‌ترین حماسه تاریخ اسلام را زنده نگه می‌داریم، شایسته است که راه و رسم زندگی را نیز از این مکتب بیاموزیم. عاشورا تنها روایت مظلومیت و شهادت نیست، مدرسه‌ای است که ایمان، بصیرت، شجاعت، امید و آرامش را در دوشوارترین شرایط به انسان می‌آموزد. در روز گاری که اضطراب، ناامیدی، آشفتگی ذهن و فرسودگی روان، آرامش بسیاری از خانواده‌ها را تهدید می‌کند، بازخوانی سبک زندگی یاران امام حسین (ع) بیش از همیشه ضرورت دارد. آنان در اوج تشنگی، محاصره، اندوه و در حالی که از سرنوشت خود آگاه بودند، نه دچار فروپاشی روحی شدند و نه امیدشان را از دست دادند، بلکه با تکیه بر ایمان، یقین، اخلاق و اعتماد به وعده‌های الهی، آرام ماندند، شجاعانه ایستادند و تا آخرین لحظه از مسیر حق دست نکشیدند. این گفت‌وگو با نگاهی به همین بعد از عاشورا، نشان می‌دهد که آرامش حقیقی نه در آسایش و رفاه، بلکه در استحکام باور و سلامت اخلاق ریشه دارد. در سری که شاید امروز، در کنار همه آموزه‌های بزرگ عاشورا، بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمند باشیم و آن هنر شاد و آرام زیستن در دل سخت‌ترین امتحان‌های زندگی است، اما از این آرامش از کجا سرچشمه می‌گیرد و چگونه ایمان، یقین و اخلاق، انسان را در سخت‌ترین آزمون‌های زندگی استوار نگه می‌دارند؟ پاسخ این پرسش‌ها را در گفت‌وگو با جوان با حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، استاد حوزه و دانشگاه می‌خوانید.

بسیاری از افراد، عاشورا را صرفاً صحنه‌ای از اندوه و مصیبت می‌بینند، اما در منابع تاریخی از نشاط و آرامش یاران امام حسین (ع) نیز سخن گفته شده است. این مسئله را چگونه تبیین می‌کنید؟

یکی از نکات شگفت‌انگیز حادثه عاشورا، وجود روحیه نشاط، آرامش و اطمینان در میان یاران سیدالشهدا (ع) است. معمولاً انسان هنگامی که خود را در آستانه خطر، شکست یا مرگ می‌بیند، دچار اضطراب، نگرانی و آشفتگی می‌شود، اما در کربلا با صحنه‌ای متفاوت روبه‌رو هستیم. یاران امام حسین (ع) می‌دانستند که فریاد عاشورا بسیاری از آنان به شهادت خواهند رسید، اما در عین حال آرامش و نشاط در رفتار و گفتارشان موج می‌زد. این نشاط نه از روی بی‌خبری بود و نه ناشی از غفلت از واقعیت میدان، بلکه برخاسته از ایمان، یقین و باور عمیق آنان بود. در حقیقت عاشورا به ما نشان می‌دهد که انسان می‌تواند در سخت‌ترین شرایط نیز آرامش و نشاط خود را حفظ کند. نشاط در منطق اهل بیت (ع) به معنای قرار از مشکلات نیست، بلکه به معنای امید، اطمینان و رضایت در مسیر حق است.

شجاعت چه بود؟

اگر بخواهیم همه عوامل را در چند محور اصلی خلاصه کنیم، باید به دورکن اساسی اشاره کنیم: «تقویت باورها» و «اصلاح اخلاق» عامل نخست، باورهای عمیق و استوار بود. یاران امام حسین (ع) به وعده‌های الهی یقین داشتند. آنان می‌دانستند در مسیر حق گام برمی‌دارند و همین یقین، ترس را از دلشان بیرون کرده بود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «خداوند آرامش و شادی را در یقین و رضایت به قضای الهی قرار داده است.» همچنین در روایت دیگری آمده که اگر انسان به قضای الهی ایمان داشته باشد، محزون نمی‌شود. کسی که باور دارد رزق او مقدر شده است، دچار حرص و اضطراب نمی‌شود. کسی که دنیا را فانی می‌داند، همه آرامش خود را به دست آوردن دنیا گره نمی‌زند. چنین انسانی در برابر سختی‌ها مقاوم‌تر و آرام‌تر خواهد بود. عامل دوم، سلامت اخلاقی بود. انسان حسود، کینه‌توز، بدبین و گرفتار چشم و هم‌چشمی نمی‌تواند نشاط واقعی را تجربه کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که همواره به داری‌های دیگران چشم بدوزد،

اندوه او طولانی خواهد شد. اصحاب امام حسین (ع) دل‌های پاک، نیت‌های خالص و اخلاقی الهی داشتند و همین ویژگی‌ها به آنان آرامش و نشاط می‌بخشید.

در نگاه دینی، شادابی و نشاط چه جایگاهی دارد و چه تفاوتی با خوشگذرانی و لودگی دارد؟

شادابی و نشاط از ویژگی‌های مهم زندگی انسان است. هر چه انسان بانشاط‌تر باشد، هم از نظر جسمی سالم‌تر است و هم از نظر روحی و فکری توانمندتر عمل می‌کند. نشاط بر جسم، روح، قدرت یادگیری، تصمیم‌گیری و تعاملات اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارد، اما باید میان نشاط و لودگی تفاوت قائل شد. گاهی برخی افراد تمسخر دیگران، تحقیر مردم، غیبت، آزار مؤمنان یا رفتاری را تأیید نمی‌کنند. پیامبر اکرم (ص) اهل مزاح بودند، اما هرگز کسی را آزار نمی‌دادند. نشاط مطلوب در فرهنگ دینی، نشاطی است که همراه با کرامت انسانی، احترام به دیگران و رشد معنوی باشد. به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی، نشاط یک ارزش محسوب می‌شود، اما هر خنده و هر شادی‌ای ارزشمند نیست.

قرآن نیز میان «فرح» و «مرح» تفاوت قائل شده است. این تفاوت چیست و چه ارتباطی با نشاط عاشورایی دارد؟

همان‌طور که در سؤال گفته شد، در قرآن کریم نیز شادی با دو عنوان «فرح» و «مرح» مطرح شده است. «فرح» شادی مثبت، سازنده و الهی است، اما «مرح» به معنای شادی غرورآمیز، خودپسندانه و غفلت‌آلود است. در روایت آمده است که خداوند از توبه بنده خود شاد می‌شود. این همان فرح مثبت است، اما قرآن انسان را از «مرح» نهی می‌کند، یعنی از شادی‌ای که با تکبر، غرور و خود برتری‌بینی همراه باشد. نشاط یاران امام حسین (ع) از جنس «فرح» بود. آنان در مسیر حق قرار داشتند، به وعده‌های الهی یقین داشتند و از رضایت خداوند خشنود بودند. این شادی، شادی ناشی از ایمان بود، نه شادی ناشی از غفلت و دنیاطلبی.

نمونه‌هایی از جلوه‌های نشاط، یقین و آرامش یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا را به مخاطبان معرفی کنید.

یکی از نمونه‌های مشهور، «بربرین خضیر» است. بربر از بزرگان، عالمان و قاریان قرآن بود. صبح عاشورا برخی مشاهده کردند که او شوخی و مزاح می‌کند، به او گفتند: تو که اهل مزاج نبودی، چرا امروز شوخی می‌کنی؟ بربر پاسخ داد: میان ما و بهشت فاصله‌ای جز حمله این دشمنان وجود ندارد. کسی که خود را در آستانه رسیدن به رضوان الهی و بهشت می‌بیند، چگونه اندوهگین

از نگاه شما مهم‌ترین عوامل این نشاط، آرامش و شجاعت چه بود؟

اصحاب امام حسین (ع) با اصلاح باورها و تهذیب اخلاق، به نقطه‌ای رسیدند که مقایسه، حسادت و دل‌بستگی‌های فرساینده در وجودشان جای خود را به یقین، رضایت و امید داده بود. این الگو امروز نیز قابل بازخوانی است: جامعه‌ای که باورهای خود را اصلاح کند و اخلاق را از سطح رقابت‌های فرساینده و اضطراب‌آور بیرون بیاورد، می‌تواند در دل فشارهای اقتصادی و اجتماعی نیز آرامش و پویایی خود را حفظ کند. عاشورای این معنا یک الگوی روان‌شناسی ایمان است که نشان می‌دهد آرامش یا بیدار، از درون اصلاح‌شده آغاز می‌شود، نه از بیرون

باشد؟ این سخن نشان می‌دهد که نشاط اصحاب امام حسین (ع) برخاسته از یقین آنان به وعده‌های الهی بود. آنان مرگ را پایان زندگی نمی‌دیدند، بلکه آن را پلی برای رسیدن به لقای پروردگار می‌دانستند.

از دیگری شهادی بزرگ کربلا، حنظل بن سعد است. رفتار او به خوبی نشان می‌دهد که یقین چگونه به انسان آرامش و نشاط می‌بخشد. او روز عاشورا خدمت امام حسین (ع) رسید و عرض کرد: آیا اجازه می‌دهید با این قوم سخن بگویم؟ حضرت فرمودند: برو. حنظل در برابر سپاه عمر بن سعد ایستاد و آیاتی از سوره غافر را که درباره مؤمنان آل فرعون و دعوت به حق بود، برای آنان تلاوت کرد، اما آنان نه تنها سخنانش را نپذیرفتند، بلکه با هیاهو و جنجال مانع شنیدن حق شدند. وقتی حنظل بازگشت، از امام خواست اجازه دهند به دیدار پروردگارش برود. حضرت فرمودند: برو، ان شاءالله به لقای پروردگار خواهی رسید. او با آرامش و اطمینان به میدان رفت و به شهادت رسید. این روحیه نشان می‌دهد که اصحاب امام حسین (ع) مرگ را پایان زندگی نمی‌دانستند، بلکه آن را رسیدن به وعده‌های الهی می‌دیدند و همین باور، اضطراب را از آنان گرفته بود.

بنابراین در شکل‌گیری این نشاط و آرامش، باورها و یقین نقش پررنگی دارند؟

بله. اساس نشاط و آرامش یاران سیدالشهدا (ع) باید در باورهای عمیق آنان جست‌وجو کرد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: خداوند آرامش و شادی را در یقین و رضایت به قضای الهی قرار داده است. اگر انسان باور داشته باشد که جهان بر اساس حکمت الهی اداره می‌شود، اگر بدانند رزق او تقسیم شده است، اگر یقین داشته باشد که خداوند او را رها نکرده است، بسیاری از اضطراب‌ها و نگرانی‌ها از بین می‌رود. به همین دلیل است که اصحاب امام حسین (ع) با وجود محاصره شدن، تشنگی، کمی یاران و قطعیت شهادت، دچار فروپاشی روحی نشدند. باورهای آنان قوی بود و همین باورها به آنان نشاط، آرامش و قدرت مقاومت می‌بخشید. امروز نیز هر چه باورهای انسان محکم‌تر باشد، کمتر دچار اضطراب، افسردگی و نگرانی می‌شود و بهتر می‌تواند با مشکلات زندگی کنار بیاید.

این باورها از سوی امام حسین (ع) چگونه تقویت شد تا بارانش را برای بزرگ‌ترین امتحان زندگی آماده کنند؟

از مهم‌ترین اقدامات سیدالشهدا (ع) در طول نهضت

عاشورا، تقویت باورها و یقین اصحاب بود. گاهی تصور می‌شود که یاران حضرت صرفاً تحت تأثیر احساسات در کنار امام ماندند، در



۶۶

یاران امام حسین (ع) در عاشورا نشان دادند که نشاط و آرامش، محصول شرایط بیرونی نیست، بلکه نتیجه «ساخت درونی انسان» است. آنان در محاصره کامل، تشنگی و یقین به شهادت، نه دچار فروپاشی روانی شدند و نه از مسیر خود عقب نشستند، زیرا جهان را در پرتو ایمان، معنا و هدفی فراتر از مرگ می‌دیدند. عاشورا در واقع صحنه‌ای است که در آن نشان داده می‌شود انسان مؤمن می‌تواند در اوج بحران، به بالاترین سطح از ثبات روانی و امید دست پیدا کند



حالی که چنین نبود. امام حسین (ع) از آغاز حرکت تا روز عاشورا با خطبه‌ها، گفت‌وگوها، استدلال‌ها و تبیین حقایق، باورهای اصحاب را تقویت می‌کردند. حضرت با استناد به قرآن و سنت پیامبر (ص) حقایق مسیری خود را تبیین می‌کردند تا یاران با بصیرت و شناخت در این راه بمانند. نکته مهم این است که امام از همان ابتدا جایگاه بهشتی اصحاب را نشان ندادند، زیرا اگر کسی از آغاز همه پادشاهان را ببیند، فداکاری برایش آسان‌تر می‌شود. ابتدا باورها ساخته شد و یقین شکل گرفت و در مرحله پایانی، در شب عاشورا گوشه‌ای از مقام و جایگاه آنان به نمایش درآمد. به همین دلیل بود که روز عاشورا یاران حضرت نه تنها دچار تردید نشدند، بلکه برای حضور در میدان و رسیدن به شهادت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.

به همین دلیل یاران امام در روز عاشورا برای شهادت از یکدیگر سبقت می‌گرفتند؟

بله، چرا که وقتی باور انسان به مرحله یقین برسد، نگاه او به حوادث تغییر می‌کند. یاران امام حسین (ع) دنیا را مقصد نهایی نمی‌دیدند. آنان به وعده‌های الهی ایمان داشتند و می‌دانستند که دفاع از حق، هر چند با شهادت همراه باشد، شکست نیست. به همین دلیل در روز عاشورا بارها مشاهده می‌کنیم که اصحاب برای رفتن به میدان از یکدیگر پیشی می‌گیرند. حتی نقل شده که برخی از آنان می‌گفتند اگر ۷۰ بار کشته و دوباره زنده شوم، باز هم دست‌هایم را بر سر زاری تو بر نمی‌دارم. این سخنان از روی احساسات زودگذر نبود، بلکه نتیجه سال‌ها ایمان، معرفت و یقین بود. یقینی که امام حسین (ع) آن را در وجود یاران خود تقویت کرده بود.

از یاران امام حسین (ع) سخن گفته شد. از حضرت عباس (ع)، شجاع‌ترین یار امام در آن میدان حضرت عباس (ع)، شجاعت و استقامت اصحاب داشتند؟

یکی از جلوه‌های مهم شجاعت و نشاط برخاسته از ایمان را می‌توان در شخصیت حضرت ابوالفضل العباس (ع) مشاهده کرد. متأسفانه گاهی تصور می‌شود نقش حضرت عباس (ع) در کربلا تنها به ماجرای آوردن آب محدود بوده است، در حالی که منابع تاریخی تصویر بسیار گسترده‌تری ارائه می‌دهند. یکی از نمونه‌های روشن، ماجرای «عمر بن خالد صیداوی» و همراهانش است. عمر بن خالد همراه غلام خود و دو تن از یارانش به محضر امام حسین (ع) آمدند و اجازه میدان خواستند. حضرت فرمودند: «بروید، خداوند به شما پاداش نیک عطا کند.» این نفر چنان وارد میدان شدند. عمر بن سعد وقتی دید آنان مهاجم و منسجم می‌گفتند، دستور داد روهایش آنان را محاصره کنند. تاگهان ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر آنان را در حلقه محاصره قرار دادند. شرایط به گونه‌ای بود که نه توان ادامه نبرد داشتند و نه راهی برای خروج هم شکستند و یاران امام را از محاصره نجات دادند. تاریخ نقل می‌کند که با حمله حضرت عباس (ع)، نیروهای دشمن پراکنده شدند و عقب نشستند. این حادثه نشان می‌دهد که حضرت عباس (ع) تنها سفتای کربلا نبودند، بلکه ستون استقامت سپاه امام حسین (ع) و پناهگاه یاران آن حضرت بودند. حضور ایشان روحیه، امید و قدرت مقاومت را در میان اصحاب تقویت می‌کرد.

اگر بخواهیم میان عاشورا و زندگی امروز پیوند برقرار کنیم، خانواده‌ها و جوانان چه درس‌هایی می‌توانند از این حادثه بیاموزند؟

یکی از مهم‌ترین درس‌های عاشورا این است که آرامش و نشاط حقیقی از درون انسان آغاز می‌شود، نه از امکانات بیرونی. امروز بسیاری از مردم نسبت به گذشته امکانات بیشتری دارند، اما در عین حال با اضطراب، نگرانی و افسردگی بیشتری نیز مواجه‌اند. عاشورا به ما می‌آموزد که برای رسیدن به آرامش باید ابتدا باورهای خود را اصلاح کنیم. خانواده‌های که به حکمت الهی اعتماد دارند، در برابر مشکلات اقتصادی، بیماری‌ها و سختی‌های زندگی استوارتر خواهند بود.

از سوی دیگر باید ساختار اخلاقی خود را نیز اصلاح کنیم. سوظن، حسادت، کینه، مقایسه‌های مداوم و چشم‌وهم‌چشمی از مهم‌ترین عوامل از بین رفتن نشاط در زندگی امروز هستند. اگر خانواده‌ها به جای تمرکز بر کمبودها، نعمت‌های الهی را ببینند، اگر به جای مقایسه دائمی خود با دیگران، بر رشد و پیشرفت خویش تمرکز کنند، بخش مهمی از آرامش و نشاط از دست رفته به زندگی آنان باز خواهد گشت.

در یک جمع‌بندی، مهم‌ترین پیام درسی و عاشورا درباره نشاط و امید در زندگی چیست؟

بزرگ‌ترین درس و پیام عاشورا این است که انسان می‌تواند حتی در دشوارترین شرایط نیز امیدوار، آرام و بانشاط زندگی کند. یاران امام حسین (ع) در شرایطی قرار داشتند که از نگاه ظاهری هیچ‌یک از عوامل معمول شادی و آرامش در اختیارشان نبود. در عین حال سرشار از امید، نشاط، شجاعت و اطمینان بودند. راز این موفقیت در دو حقیقت نهفته بود: باورهای استوار و اخلاق الهی. سیدالشهدا (ع) پیش از آنکه اصحاب خود را با جلوه‌هایی از عالم غیب آشنا کنند، باورهای آنان را تقویت کردند. آنان با شناخت، بصیرت و یقین در این مسیر قدم گذاشتند و همین یقین بود که آنان را به انسان‌هایی استوار تبدیل کرد. امروز نیز اگر می‌خواهیم در برابر مشکلات زندگی مقاوم باشیم، اگر می‌خواهیم از اضطراب‌ها، ناامیدی‌ها و فرسودگی‌های روحی فاصله بگیریم، باید همین دو اصل را در زندگی خود تقویت کنیم: باورهای صحیح و اخلاقی نیکو. هر چه ایمان عمیق‌تر، اخلاق سالم‌تر و ارتباط انسان با خداوند محکم‌تر باشد، نشاط، آرامش، قدرت تحمل مشکلات، سلامت روان، قدرت یادگیری و توان تعامل او با زندگی نیز بیشتر خواهد شد. این همان درسی است که می‌توان از مکتب عاشورا و از زندگی یاران امام حسین (ع) آموخت.

